

نزر در تهران



ابتکارات مختلف و سرعت بخشیدن به رایزنی‌ها و تبادل هیأت‌ها همچنان همکاری‌ها و تلاش‌های خود را ادامه دهند.

● علل اهمیت اجلاس سران در تهران

۱- امضای اولین سند سیاسی در عالی‌ترین سطح ممکن (رؤسای جمهوری) برای اولین بار در تاریخ:

«اعلامیه سران» به دلیل اهمیت و لزوم شفاف‌سازی در همان روز به صورت کامل در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. این امر تبلیغات مسموم عده‌ای از عناصر مخالف نظام یا مغرضان را نقش بر آب کرد. این عده پیش از اجلاس تلاش داشتند که اجلاس سران را پیشاپیش نه تنها ناموفق بلکه خیانت‌آمیز جلوه دهند. این اقدام بجا و مناسب تلاش آنان را ناکام گذاشت.

۲- تشکیل کنفرانس همکاری‌های اقتصادی کشورهای ساحلی دریای خزر:

در پی پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تشکیل سازمانی با اهداف اقتصادی به منظور گسترش و توسعه تجارت و بازرگانی بین کشورهای ساحلی دریای خزر، رؤسای جمهور کلیه کشورهای با حمایت از این طرح، در خصوص شیوه پیگیری این ایده نیز توافق کردند. بر این اساس قرار شد ابتدا کنفرانسی با هدف بررسی دقیق و فنی موضوع و راهکارهای عملی کردن طرح بررسی شود تا مقدمات تشکیل این سازمان فراهم آید. آقای پوتین آمادگی روسیه برای میزبانی این کنفرانس را در تابستان سال آینده اعلام کرد که مورد موافقت جمع قرار گرفت.

۳- مسائل مربوط به صلح، ثبات و امنیت در دریای خزر:

در این خصوص توافق شد که باکو به عنوان میزبان بعدی اجلاس سران، بر اساس طرح‌های ارائه شده موجود (طرح‌های ایران، روسیه و قزاقستان) ابتکار عمل را به دست گیرد و پیش‌نویس سندی پنج جانبه را در این زمینه آماده کند تا در اجلاس‌های بعدی گروه کاری و معاونان وزیر و سپس وزرای خارجه مذاکره و بررسی گردد تا انشاءالله در اجلاس آتی سران نهایی گردد.

۴- منظم ساختن اجلاس‌های وزاری خارجه و رؤسای جمهور: با توجه به این که بین اجلاس سران عشق‌آباد و تهران حدود پنج سال و نیم زمان سپری شده بود و پیرو پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، کلیه کشورها توافق کردند که اجلاس‌های سران و وزاری امور خارجه پنج

کشور به صورت منظم و مستمر برگزار گردد. براین اساس توافق حاصل گردید که در آینده رؤسای جمهوری کشورهای به صورت سالی یک بار و وزاری امور خارجه سالی دو بار گردهم آیند. البته سران تأیید کردند که می‌توان این تاریخ‌ها را اندکی جابه‌جا کرد تا اسناد و توافقاتی برای امضا آماده شوند.

همچنین توافق کردند که اجلاس بعدی سران در اکتبر سال ۲۰۰۸ میلادی در شهر باکو برگزار شود.

۵- حضور ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در تهران که برای اولین بار در تاریخ صورت گرفت:

بعد از سفر سال ۱۹۴۳ استالین به تهران که در دوران جنگ جهانی دوم به همراه چرچیل و روزولت و در دوران اشغال ایران انجام شد، هیچ‌گاه مقام اول کرملین سفری به ایران انجام نداده بود. در ضمن، باید توجه کرد که مذاکرات یاد شده در سال ۱۹۴۳ برای تعیین سرنوشت جنگ جهانی، کمک‌رسانی به جبهه شوروی علیه آلمان و تقسیم آینده جهان در تهران انجام گرفت و ایران هیچ نقشی در آن نداشت. پس از آن تاریخ، برژنف و نیکولای پادگورنی نیز در دو مقطع دیگر به ایران سفر کرده بودند که در آن زمان شخص اول کشور نبودند.

۶- سفر دوجانبه نور سلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان به ایران: نظربایف نیز برای ۱۰ سال بود که به ایران سفر نکرده بود. این اجلاس این فرصت را فراهم ساخت که وی یک روز زودتر به تهران سفر کند و علاوه بر اجلاس سران سفر دوجانبه خود را نیز انجام دهد که دستاوردهای زیادی به همراه داشت که تشریح آن در این مختصر ممکن نیست.

● خلاصه‌ای از اعلامیه نهایی سران

اعلامیه نهایی سران کشورهای ساحلی که در روز ۲۴ مهر به امضای رؤسای جمهور پنج کشور همسایه دریای خزر رسید، گام مهمی در پیشبرد روابط کشورهای منطقه و حل مسائل این دریا محسوب می‌شود. به علاوه، موضوعات مطرحه در این اعلامیه از حوزه مسائل دریای خزر فراتر رفته و اشتراک نظر کشورها در مسائل کلان امنیتی و سیاسی بین‌المللی را نمایان می‌سازد.

برخی از مفاد این اعلامیه از این قرارند:

۱- طرف‌ها اظهار داشتند که فقط کشورهای ساحلی، دارای حقوق حاکمه در رابطه با دریای خزر و ذخایر آن هستند.

۲- طرف‌ها اعلام کردند که دریای خزر باید فقط جهت اهداف صلح‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد و همه مسائل مربوط به دریای خزر به وسیله کشورهای ساحلی از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل خواهد شد.

۳- طرف‌ها تأیید کردند که نیروهای مسلح آنان به منظور حمله به هر یک از طرف‌ها مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

۴- طرف‌ها تأکید کردند که در هیچ صورتی به کشورهای دیگر اجازه نخواهند داد تا از قلمرو کشورشان برای تهاجم و سایر عملیات نظامی علیه هر یک از طرف‌ها استفاده شود.

۵- طرف‌ها از روند مذاکرات پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر براساس احترام متقابل و حسن تفاهم و برابری حقوق، موازین پذیرفته شده حقوق بین‌الملل در فضای گفت‌وگوهای تمدنانه ابراز رضایت کرده و ضرورت ادامه فعال این مذاکرات را خاطر نشان کردند.

۶- طرف‌ها توافق کردند تا تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر در پهنه آن، باید رژیم‌های توافق شده کشتیرانی، ماهیگیری و تردد کشتی‌ها صرفاً تحت پرچم کشورهای ساحلی خزر براساس تحقق حقوق حاکمه آنها اعمال گردد.

۷- طرف‌ها اعلام کردند که توافق نهایی در مسائل مربوط به تحدید حدود بستر به منظور استفاده از منابع زیر بستر توسط همه کشورهای ساحلی دریای خزر با توجه به حقوق حاکمه آنها و احترام به حقوق و منافع قانونی یکدیگر اجرا خواهد شد.

۸- طرف‌ها همچنین حق مسلم کلیه کشورهای عضو معاهده «بح

اشاعه و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای» جهت توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای در مقاصد صلح‌آمیز بدون تبعیض و در چارچوب مفاد این معاهده و همچنین سازوکارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد تأیید قرار دادند.

۹- طرف‌ها پابندی خویش را به توسعه همکاری‌های وسیع دوجانبه و چندجانبه در مبارزه با تروریسم، نقل و انتقال غیرقانونی مواد مخدر و سلاح و جرائم سازمان یافته فراملی با استفاده از نقش محوری هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد براساس رعایت دقیق اصول و موازین شناخته شده حقوق بین‌الملل مورد تأیید قرار دادند.

۱۰- طرف‌ها اصل مسئولیت کشورهای ساحلی دریای خزر در قبال خسارات وارده به محیط زیست خزر و به یکدیگر در نتیجه استفاده از دریای خزر و بهره‌برداری از منابع آن را تأیید کردند.

۱۱- طرف‌ها با درک مسئولیت خویش در برابر نسل‌های امروز و فردا در قبال حفاظت از دریای خزر و تمامیت سیستم زیست محیطی آن، اهمیت گسترش همکاری در حل مسائل زیست محیطی دریای خزر را مورد تأکید قرار دادند.

● برخی مباحث مورد اختلاف در رژیم حقوقی که تاکنون حل و فصل نشده‌اند

به رغم توافقات عدیده به عمل آمده پیرامون تقریباً ۷۰ درصد از مباحث در پیش نویس کنوانسیون رژیم حقوقی، اتفاق آرای پنج کشور ساحلی در برخی از مباحث، هنوز محقق نشده است. این موارد عبارتند از:

● شیوه‌های تقسیم بستر و زیربستر برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز

● تعیین مایلز محدوده‌های مناطق مختلف سطح آب شامل دریای سرزمینی و ماهیگیری انحصاری

● وضعیت نیروهای نظامی کشورهای ساحلی در دریای خزر

● ترانزیت آزاد از دریای خزر به آب‌های آزاد و بالعکس

● احداث خطوط لوله نفت و گاز از بستر دریا.

● شیوه‌های تقسیم بستر و زیربستر برای بهره‌برداری از منابع انرژی

قبلاً دریای خزر را صرفاً با خلایق آن می‌شناختند. امروزه برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، خزر را مترادف با منابع نفت و گاز تعریف می‌کنند و از خصایص دیگر مانند صلح و ثبات پایدار، محیط زیست، ماهیگیری، منابع زنده دریایی و... غافل هستند. بر همین اساس برای تقسیم منابع انرژی زیربستر، به شیوه‌هایی روی آورده اند که مغایر با منافع و مصالح جمعی می‌باشد. در حالی که الگوهای تقسیم باید مصالح همه کشورهای ساحلی را با برآورده سازد و برای همه طرف‌ها، قابلیت دفاع در سطوح ملی را نخلی دارا باشد. از سوی دیگر این تقسیم باید با شیوه‌های رایج در دنیا و مبانی حقوق بین‌الملل و آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی، همخوانی داشته باشد. به این جهت ایران اعتقاد دارد که استفاده از یک روش خاص مانند خط میانی یا خط مستوی الفاصله نه تنها الزامی نیست بلکه به نتایج منصفانه منتج نمی‌شود لذا باید از شیوه‌های دیگر تقسیم و یا ترکیبی از روش‌ها استفاده کرد تا نتیجه تقسیم منصفانه باشد.

● نفت و گاز در دریای خزر

موضوع اکتشاف، تولید و انتقال نفت و گاز خزر علاوه بر کشورهای منطقه برای همه کشورهای جهان اهم است تولیدکننده یا مصرف‌کننده اهمیت دارد و متناسب با میزان ذخایر و حجم تولید، اثرات قابل توجهی در بازار جهانی انرژی و قیمت‌ها خواهد داشت. نباید فراموش کرد که آمار و ارقام اعلام شده توسط منابع غربی در ابتدای فروپاشی شوروی بسیار اغراق‌آمیز بوده و هدف اصلی آنان فراهم ساختن بهانه برای حضور بوده است. خوشبختانه امروزه روز به روز ارقام واقعی‌تر بیان می‌شوند و از شدت و حدت سابق کاسته شده است خصوصاً این که بسیاری از حوزه‌هایی که اخیراً مورد حفاری قرار گرفته‌اند فاقد نفت و گاز بوده‌اند یا صرفه اقتصادی نداشته‌اند. برخلاف کشورهای دیگر، نفت و گاز خزر برای ایران (و روسیه) یک دسر بعد از غذا محسوب می‌شود، ولی این موضوع به هیچ وجه نباید به معنی چشم‌پوشی از حقوق مسلم و منافع ملی تعبیر شود. در این جهت ایران اقدامات ذیل را انجام داده است:

● لزوم‌نگاری‌های دوجانبه و متعاقباً سه بعدی

● احداث سکوی حفاری مخصوص مناطق کم‌عمق

● احداث سکوی حفاری نیمه شناور برای مناطق عمیق که ساخت آن

امسال تمام شده و در سال آینده آغاز به بهره‌برداری خواهد کرد

● احداث یک‌کس‌های مخصوص برای انتقال سکوی فوق به دریا

● انجام عملیات توفیق کردند تا تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر در روز که ظرفیت‌های بعدی آن ۳۷۰ هزار و نه نهایت ۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود. امروزه به جز جمهوری آذربایجان بقیه کشورهای (روسیه، قزاقستان و ترکمنستان) از مسیر ایران برای انتقال نفت خود (که فعلاً

در مناطق خشکی تولید می‌کنند) استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است خوشبختانه با اعمال اقداماتی مناسب، در محدوده مورد ادعای ایران در دریای خزر و حتی مناطق مشترک، هیچ کشوری مبادرت به اکتشاف، بهره‌برداری و حفاری از منابع احتمالی نفت و گاز نکرده‌اند و حتی یک قطره نفت از این مناطق استفاده نکرده‌اند.